

مولفه های حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی و فلسفی امام خمینی(ره)

اصغر رجیبی ده برزوئی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۱

چکیده: یکی از فیلسوفان معاصر که توانست آرزوی حکومت مطلوب فلاسفه را محقق نماید حضرت امام خمینی(ره) است. حکومت مطلوب اسلامی در اندیشه سیاسی فلسفی امام خمینی(ره) متفاوت با دیگر حکومت های موجود است. هدف از انجام این پژوهش پاسخ به این پرسش است که مولفه های حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی فلسفی امام خمینی(ره) چیست؟ ما با استفاده از روش تحلیل مضمون، داده های حاصل از بیانات امام خمینی(ره) را مفهوم سازی کرده ایم. بر اساس این مفاهیم، مضامین اولیه(حکومت اسلامی، جایز بودن، قدرت و اراده الهی، تعدی بودن، نصب غیر الهی، اعتقاد به قانون، رای مردم، تربیت الهی، ایمان، خدمت به مردم، نظام عادلانه) و مضامین سازمان دهنده(مشروعیت الهی، موجه بودن، حکومت دینی، طغیانگر، متجاوز، قانون اساسی، حکمرانی، اخلاق، عدالت، مردم سالاری، همکاری) و مضامین فراگیر به دست آمد. با ترکیب و ادغام مضامین فراگیر نزدیک به هم پنج مولفه مشروعیت و الهی بودن حکومت، اطاعت ناپذیری از طاغوت، حاکمیت قانون، اخلاق گرایی و عدالت جویی و مشارکت حداکثری مردم با تاکید بر اندیشه سیاسی و فلسفی امام خمینی(ره) استخراج گردید.

واژگان اصلی: امام خمینی(ره)، حکومت مطلوب، فلسفه سیاسی، مشروعیت، اسلام.

^۱ گروه معارف اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

برای شناخت مولفه های حکومت مطلوب مناسب است که به منابع اسلامی از جمله قرآن کریم و نهج البلاغه و فلسفه اسلامی رجوع کنیم. در تفکرات هر یک از اندیشمندان به نوعی حکومت مطلوب ترسیم گشته است. در این میان افلاطون، بر این اعتقاد است که: مفسد نوع بشر، هرگز نقصان نخواهد یافت مگر آنکه در شهرها فلاسفه پادشاه شوند یا آنان که هم اکنون عنوان پادشاهی و سلطنت دارند به درستی و جدلاً در سلک فلاسفه درآیند و نیروی سیاسی با حکمت توأم در فرد واحد جمع شود (افلاطون، ۱۳۳۸: ۳۱۵). بنابراین از دید افلاطون حکومت مطلوب حکومتی است که از آن فلسفه و حکمت باشد و در رأس آن حکیمان و فیلسوفان قرار گیرند. ارسطو نیز بهترین و مطلوب ترین نوع حکومت را حکومت پلیتی می داند و آن حکومت مبتنی بر قانون اساسی است (عالم، ۱۳۷۲: ۲۶۹). این نوع حکومت به زعم ارسطو، پروای خیر و صلاح همگان را دارد و به دست اکثریت اداره می شود (ارسطو، ۱۳۶۴: ۱۱۹). ملاصدرا در زمره فیلسوفانی است که در عین گوشه گیری و اعراض از پیوستن به ارباب قدرت، جدا به سیاست می اندیشیده و در آثار خود هم به سیاست مثالی، و هم به رسوم آیین کشورداری نظر داشته است (داوری اردکانی، ۱۳۷۸: ۷۰). از نظر ایشان، خداوند حکیم انسان را به گونه ای خلق کرده که بخش اعظم استعدادهای وی در متن اجتماع شکوفا خواهد شد. در نتیجه چه حیات مادی و چه حیات معنوی وی هر دو در اجتماع انجام خواهد گرفت (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۲: ۵۶۰) در میان اندیشمندان جهان سیاست برخی نیز به شکل حکومت توجه داشته اند و به عنوان مثال حکومت فردی را برترین نوع حکومت دانسته اند مانند هابز و هیوم.

امام خمینی (ره) از اندیشمندان بزرگ جهان اسلام در عصر ما و رهبر یکی از بزرگ ترین انقلاب های جهان است. فیلسوف و سیاستمداری بی بدیل که نه تنها به ارائه طرح خاص حکومتی مورد نظر خویش به لحاظ نظری پرداخت، بلکه توفیق تأسیس حکومت اسلامی بر اساس نظریه خود را نیز به دست آورده و شخصاً در رأس چنین حکومتی قرار گرفت. حرکت امام خمینی (ره) در جهت تأسیس حکومت مسأله ای است که توجه او را از توجه یک نظریه پرداز به مسأله مطلوبیت حکومت فراتر می برد. لذا می توان گفت امام خمینی (ره) به عنوان مؤسس و بانی یک حکومت مطلوب دیده می شود. بنابراین در شرایط تأسیس این حکومت به مطلوبیت آن توجهی عمیق و شایان دارد. قرار گرفتن ایشان در موضع رهبری حکومت در طول ده سال این فرصت را در اختیار ایشان قرار داد که

با سنجش شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی گوناگون و متنوع نظریه خود را در مورد آزمون مکرر قرار داده و بر استحکام، قدرت و صحت آن بیفزاید.

چارچوب نظری

اهمیت مسأله مطلوبیت حکومت و بهترین و مطلوب‌ترین نوع حکومت از جهات متعددی در مورد ایشان مطرح است. اولاً، حضرت امام خمینی (ره) یک نظریه پرداز حکومت است. او با توجه به فلسفه سیاسی، فقه اسلامی و جایگاه بسیار مهم و حساس حکومت در اداره اجتماع و پیشبرد و حفظ دین و نیز با عنایت به مقتضیات زمانی و مکانی و به ویژه عنصر مصلحت به ارائه و تکمیل نظریه حکومتی خود پرداخت. بنابراین طرح و نظریه حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی فلسفی ایشان، جایگاهی والا و مهم را داراست. هدف از انجام این پژوهش پاسخ به این پرسش است که مولفه‌های حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی فلسفی امام خمینی (ره) چیست؟ پژوهشگران با استفاده از روش تحلیل مضمون، داده‌های حاصل از بیانات امام خمینی (ره) را مفهوم سازی کرده‌اند. بر اساس این مفاهیم، مضامین اولیه (حکومت اسلامی، جایز بودن، قدرت و اراده الهی، متعدی بودن، نصب غیر الهی، اعتقاد به قانون، رای مردم، تربیت الهی، ایمان، خدمت به مردم، نظام عادلانه) و مضامین سازمان دهنده (مشروعیت الهی، موجه بودن، حکومت دینی، طغیانگر، متجاوز، قانون اساسی، حکمرانی، اخلاق، عدالت، مردم سالاری، همکاری) و مضامین فراگیر به دست آمد. با ترکیب و ادغام مضامین فراگیر نزدیک به هم پنج مولفه مشروعیت و الهی بودن حکومت، اطاعت ناپذیری از طاغوت، حاکمیت قانون، اخلاق گرایی و عدالت جویی و مشارکت حداکثری مردم با تاکید بر اندیشه امام خمینی (ره) استخراج گردید.

پیشینه پژوهش

در خصوص مولفه‌های حکومت مطلوب از جهت نظری و تحقیقاتی، پیشینه‌ای چندان قوی وجود ندارد؛ به ویژه در اندیشه سیاسی فلسفی امام خمینی (ره) که معدودی مقاله، همه داشته‌های ما در این حوزه را شامل می‌شود. در خصوص مولفه‌های حکومت مطلوب پژوهش‌های صورت گرفته است که در ذیل به بعضی از آنها که در برخی جنبه‌ها به این پژوهش نزدیک تر بودند اشاره شده است:

۱- مقاله ویژگی‌های حکومت مطلوب از منظر امام خمینی (ره) نوشته آقای محمد حسین جمشیدی

با روش توصیفی- تحلیلی و روش جمع آوری اطلاعات نیز کتابخانه ای در سال ۱۳۷۸ انجام پذیرفته که یافته های آن اشاره دارد که شاخص های حکومت مطلوب امام خمینی (ره)، به دو سری از شاخص ها و ویژگی ها عنایت دارند که یک سری از آنها را که می توان ارکان و بنیان های اساسی یک حکومت مطلوب یا شرط لازم آن تلقی کرد که عبارتند از: عدالت، مردمی بودن و ابتناء بر آرای عمومی و اسلامی بودن یا ابتناء بر ضوابط و قوانین اسلام. دسته دیگر از شاخص ها نسبت به دسته اول دارای اهمیت ثانویه هستند.

۲- مقاله بررسی مولفه های حکمرانی خوب از منظر امام خمینی (ره) نوشته آقای محمد رحیم عیوضی و خانم نازنین مرزبان با روش توصیفی- تحلیلی و روش جمع آوری اطلاعات نیز کتابخانه ای در سال ۱۳۹۵ انجام پذیرفته که یافته های آن اشاره دارد که مهم ترین مولفه های حکمرانی خوب در اندیشه امام خمینی (ره) با الهام از آموزه های قرآن، سیره و سنت حکومت نبوی عبارتند از: توجه به حاکمیت قانون، مشارکت مردم، عدالت جویی، اعتماد سازی و پاسخ گویی حکومت به مطالبات مردمی می باشد.

۳- مقاله بررسی مولفه های حکمرانی خوب با توجه به رویکرد اندیشه های سیاسی انقلاب اسلامی نوشته آقایان سعید واحدی، محمدرضا حاتمی و سیدمحمد موسوی به روش توصیفی تحلیلی در سال ۱۴۰۰ انجام پذیرفته که یافته های آن حاکی از آن است که محتوای دیدگاه های نظری حکمرانی خوب مبتنی بر انسان محوری، دنیاگرایی و ماده گرایی است، ولی حکمرانی شایسته مبتنی بر خدا محوری است، اگرچه به ماده و معنا و دنیا و آخرت هر دو به صورت همزمان توجه دارد.

۴- مقاله راهبری حکمرانی مطلوب ایرانی- اسلامی در اندیشه سیاسی استاد مطهری نوشته آقایان روح الله صفریان گرم خانی، امیرمسعود شهرام نیا و خانم ملیحه رضایی به روش هرمنوتیک اسکینری در سال ۱۳۹۹ انجام گردیده که یافته های پژوهش بیانگر این مطلب است که شهیدمطهری در بستر اجتماعی خاصی درحوزه سیاسی به نوعی حکمرانی با ساختاراجتماعی هماهنگ و به حکومتی باماهیتی خاص و کنشی هدفمند می اندیشند.

۵- مقاله شاخص های حکمرانی مطلوب دولت تراز انقلاب اسلامی مطابق با بیانیه گام دوم نوشته آقایان رحمان نجفی سیار و ایوب نیکونهاد با روش توصیفی تحلیلی در سال ۱۳۹۹ انجام پذیرفته که یافته های آن اشاره دارد که مهم ترین شاخص های دولت تراز انقلاب را می توان شامل مواردی همانند معنویت گرایی، علم گرایی، شایسته سالاری، عقلانیت محوری، مشارکت جویی، قانون محوری،

شفافیت‌گرایی، و بوم‌گرایی اقتصادی برشمرد.

اهمیت و ضرورت حکومت

واژه حکومت از ثلاثی مجرد «حکم» در عربی و دیگر زبان‌های سامی به معنای قضاوت، حکمت و نیز طبابت است، اما در زبان عربی معنای غالب آن قضا و داوری است و حکومت نیز معنای داوری و دادرسی را افاده می‌کرده است (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۲۹). از پیامبر اسلام (ص) نیز روایت شده است که فرمود: عدل ساعه فی حکومت خیر من عبادۀ ستین سنه (مجلسی، ۱۳۸۶: ۳۵۲/۲). ابن‌منظور نیز از ابن‌اثیر نقل می‌کند که گفته است: فی اسماء الله تعالی الحکم و الحکیم و هما بمعنی الحاکم، و هو القاضی، فهو فعیلٌ بمعنی فاعلٍ (ذیل حکم). البته علم خانواده، حقوق، سیاست و شریعت در کنار یکدیگر برای معیشت فرد و اجتماع لازم دانسته شده است (لک زائی، ۱۳۸۱: ۵۲).

در همه نظریات حول حکومت، به ضرورت وجود حکومت در جامعه اعتراف شده است تنها مکتب آنارشیسم منکر ضرورت وجود حکومت است آنارشیست‌ها معتقدند باید چنان حرکت کرد که بدون نیاز به حکومت جامعه اداره شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ۴۲). هر چند برای شناخت مولفه‌های حکومت مطلوب مناسب است که به منابع اسلامی از جمله قرآن کریم و نهج البلاغه و فلسفه اسلامی رجوع کنیم. لذا باید به این سؤال پاسخ دهیم که مهم‌ترین مولفه‌های حکومت مطلوب در قرآن کریم کدامند؟ از دیدگاه قرآن کریم پنج مولفه حکومت مطلوب عبارتند از رابطه دین و سیاست، مشروعیت، عدالت، امنیت و آزادی است. حکومت مطلوب از منظر حضرت علی (ع)، برگرفته از احکام الهی است و مجموعه‌ای از عوامل از جمله قانون‌گریزی و عدم توجه به شایسته‌سالاری از ویژگی‌های حکومت طاغوتی هستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که از منظر امام علی (ع)، قانونمندی، مشارکت مردم، شفافیت (پذیرا بودن انتقادات و پاسخگو بودن)، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، اثربخشی و کارایی، شایسته‌سالاری نقش موثری در ایجاد حکومت مطلوب در جامعه دارند. در مقابل، ایشان یکی از موانع مهم و اساسی در مسیر ایجاد حکومت مطلوب را قانون‌گریزی، عدم توجه به شایسته‌سالاری، خودکامگی و ریاست‌طلبی معرفی می‌کنند.

در چهارچوب فلسفه اسلامی و مشخصاً حکمت متعالیه، نظام سیاسی مطلوب مبتنی بر تقدم دانش بر قدرت و اصالت وجود می‌باشد. پس بر این اساس حکمت متعالیه، به ضرورت وحی و نبوت و از درجه آن به رابطه دین و سیاست می‌پردازد. یافته‌های فلسفی نشان می‌دهد که نقص انسان و عدم کفایت عقلی او برای تأمین سعادت راه را برای حکومت ولایی در اندیشه انسان باز نموده

است. مشروعیت چنین حکومتی براساس نصب و اذن الهی می‌باشد و مردم، هرچند نقشی در مشروعیت بخشیدن به حکومت اسلامی ندارند، اما برپایی و تشکیل حکومت اسلامی، نیازمند همراهی و پذیرش مردم است. امام خمینی (ره) در این باره می‌گویند: مقصد اصلی عبارت از این است که یک حکومت عدلی یک حکومت اسلامی عدلی مبتنی بر قواعد اسلامی حاصل بشود. آن مقصد اعلائی ما است. (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵: ۲۳/۵).

روش پژوهش

این پژوهش بر حسب نوع داده های استفاده شده، کیفی، بر حسب نتیجه توسعه ای و بر حسب هدف، پژوهشی-اکتشافی است. این تحقیق از نوع تحقیقات نظری است که در آن محقق بدون داشتن یک هدف کاربردی خاص، صرفاً برای توسعه دانش به مطالعه می‌پردازد. در این تحقیق با توجه به ضرورت استنباط از مهمترین منبع روایی در زمینه حکومت مطلوب (اندیشه امام خمینی (ره))، ابتدا روش اسنادی و مطالعه نظری به کار گرفته شد. در ادامه از بین راهبردهای متنوع پژوهش کیفی، از راهبرد تحلیل مضمون با سبک اترید-استرلینگ بهره برده شده است (حکاک و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲). تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده های کیفی است (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۱). بنابر این، قضاوت محقق در رابطه با اینکه مضمون چیست؟ کاملاً ضروری است. پژوهشگر باید تا حدودی منعطف باشد، زیرا تبعیت صرف از قواعد در این خصوص کاربردی ندارد (سلطانی و خانی، ۱۳۹۵: ۱۲۱). از تحلیل مضمون می‌توان به خوبی برای شناخت الگوهای موجود در داده های کیفی استفاده کرد. در نهایت شبکه مضامین بر اساس یک رویه مشخص مضامین زیر را نظام مند می‌کند: الف. مضامین اصلی ب. مضامین سازمان دهنده، ج. مضامین فراگیر، سپس این مضامین به صورت نقشه های شبکه وب رسم می‌شوند که در آن مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها مانند نگاره زیر نشان داده می‌شود (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷). برای انجام نظام مند مراحل تحلیل مضمون از نرم افزار مکس کیو دی که یک نرم افزار تحلیل کیفی است، استفاده شد. واحد تحلیل در این پژوهش بیانات امام خمینی (ره) مرتبط با مولفه های حکومت مطلوب می‌باشد. تلاش شده است با رویکرد استقرایی داده های مرتبط استخراج شود و در قالب جدول ارائه گردد. و سپس مفاهیم مرتبط توسط عبارتی کوتاه و توصیف کننده (کد) بیان شده است.

یافته های پژوهش

با بررسی و مطالعه دقیق بیانات امام خمینی (ره)، در مرحله اول کدهایی استخراج شد. در مرحله بعد با ترکیب و مقایسه مستمر کدها، یازده مقوله فرعی شکل گرفت و پس از بررسی و سنخ‌سنجی مولفه‌ها، پنج مقوله اصلی مولفه‌های حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی فلسفی امام خمینی (ره) شامل توجه به مشروعیت و الهی بودن حکومت، اطاعت ناپذیری از طاغوت، حاکمیت قانون، اخلاق‌گرایی و عدالت‌جویی و مشارکت حداکثری مردم طراحی شد. برای سنجش پایانی پژوهش، نمونه‌هایی از متن مورد تحلیل انتخاب و مجدداً کدگذاری شد، برای حصول اطمینان از اعتبار و روایی پژوهش علاوه بر بررسی مقوله‌ها و شاخص‌ها، نظرات و رهنمودهای برخی از استادان دانشگاه نیز مورد لحاظ قرار گرفت. در نهایت، مقوله‌های اصلی در قالب شبکه مقوله‌ها با یکدیگر مرتبط شدند. بدین ترتیب، الگوی مفهومی مولفه‌های حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی فلسفی امام خمینی (ره) استخراج شد.

مولفه‌های حکومت مطلوب در اندیشه امام خمینی (ره)

حکومت مطلوب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) متفاوت با دیگر حکومت‌های موجود است. از دیدگاه امام خمینی (ره) مهم‌ترین مولفه‌های حکومت مطلوب با الهام از آموزه‌های قرآن کریم، روایات و فلسفه اسلامی عبارتند از: توجه به مشروعیت و الهی بودن حکومت، اطاعت ناپذیری طاغوت، حاکمیت قانون، اخلاق‌گرایی و عدالت‌جویی و مشارکت حداکثری مردم می‌باشند که به تشریح هر کدام می‌پردازیم.

مشروعیت و الهی بودن حکومت مطلوب

در اسلام مشروعیت به معنای اموری است که شارع وضع کرده و گاه به معنای محق و معتبر بودن یک حاکمیت است. این نوع مشروعیت در حوزه فلسفه و کلام مشروعیتی است که به مفهوم حقانیت در برابر غضب یا ناحق بودن مورد بحث قرار می‌گیرد، از منظر امام (ره)، مشروعیت حکومت به حاکمیت خدا و قانونگذاری اوست، اما این بدان معنا نیست که مردم و خواست آنها در حاکمیت، هیچ اثری نداشته باشد. از دیدگاه امام راحل، حاکمیت باید به شکلی باشد که بتوان آن را سایه خدا به شمار آورد و این، جز با صلاحیت حاکم، فراهم شدن نیست (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵: ۶۵/۴). برای این که عدالت برقرار گردد در والی و حاکم اسلامی واجب است حداقل سه شرط اساسی موجود باشد:

اول این است که خودش عالم به احکام و قوانین اسلام باشد و مراد از علم هم این است که مجتهد

و فقیه و دین شناس و در حقیقت کارشناس در امر دین باشد، زیرا عقلای عالم در هیچ زمانی زمام امور سیاسی و اجتماعی خود را به دست جاهل نمی سپارند. دوم: حاکم اسلامی باید عادل باشد تا بتواند بسط و گسترش عدالت را برنامه کارش قرار دهد، بدیهی است که انسان فاسق و ظالم لیاقت و شأنت زمام داری را ندارد. سوم: باید حاکم اسلامی دارای کفایت و عقل و تدبیر لازم باشد و نیز دارای سلامت و توان جسمی باشد و این شرایط حاکم نزد عقلای عالم امری مسلم و نزد عقل هم پذیرفته شده و واضح است زیرا معقول نیست که مقدرات یک جامعه به دست آدم جاهل به قوانین خدا و یا ظالم و ستم کار سپرده شود و یا آدمی را که کفایت روحی و جسمی ندارد با توجه به اهمیتی که جان و مال و عرض مردم پیش خدا دارد، برجان و مال و عرض مردم مسلط کنند (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۳۷)

وجود این شرایط در حاکم اسلامی از راه ادله لفظیه هم قابل استفاده است. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: و شما مردم خوب می دانید که شایسته نیست کسی بر نوامیس، خون های مردم، در آمدها، احکام و قوانین مسلمانان دست پیدا کند که بخیل باشد؛ و بر اموال مسلمانان حرص ورزد؛ و نباید جاهل باشد تا از روی نادانی مردم را به ضلالت و گمراهی بکشاند؛ و نباید جفا کار باشد که به علت جفا کاری و خشونت، مردم با او قطع رابطه کنند؛ و نیز نباید از دولت ها بترسد که با یکی دوستی و یا با دیگری دشمنی ورزد؛ و نباید در کار قضاوت رشوه خوار باشد تا حقوق افراد را پایمال کند و نگذارد حق به حق دار برسد؛ و نباید سنت و قانون الهی را به تعطیلی بکشاند تا امت را به هلاکت و بدبختی سوق دهد (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱).

اگر در این سخن دقت شود در دو محور عدل و علم خود نمایی می کند و مراد از عدالت، عدالت عام است که همه چیز را در بر می گیرد. محور رهبری از نظر دین، علم، لیاقت و توان جسمی و روحی برای اداره کردن جامعه است. خداوند متعال در ارتباط با علت انتخاب طلوت برای فرماندهی فرموده است: ان الله اصطفاه علیکم و زاده بسطة فی العلم و الجسم، خداوند طلوت را برای فرماندهی برگزیده و او را در علم و توانایی جسمانی بر شما برتری داده است (بقره، ۲۴۷).

از این آیه شرط علم و کفایت برای رهبران جامعه استفاده می شود. از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است: ان احق الناس بهذا الامر اقواهم علیه و اعلمهم بأمرالله، شایسته ترین فرد برای رهبری حکومت اسلامی آن کسی است که در اداره آن از دیگران قوی تر و به امر خدا داناتر باشد (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳).

شکی نیست که بر اساس آیات قرآن کریم و روایات، لایق‌ترین افراد برای ریاست و حکومت بر مسلمین در زمان غیبت امام زمان - ارواحنا فداه - فقیه جامع‌الشرایط است؛ چون شرط ریاست و زمام‌داری بر مسلمین، علم دین است. و بر حسب ادله شرعی، فقهای عادل و با تقوا در این زمینه مقدم و به نیابت منصوبند و مرجع همه رخدادها خواهند بود، و دین و سیاست هم از هم جدا نیستند. و در روایتی که از اختصاص شیخ مفید (ره) و با این عنوان نقل شده است: روی عن احد هم - علیه السلام - الدین و السلطان توأمان لا بد لكل واحد منهما من صاحبه و الدین استن و السلطان حارث و ما حارث له ضایع « دین و قدرت با هم اند و برای هر یک از آن دو دیگری ضروری است و اساس سعادت مردم دین است و قدرت و حکومت نگهدارنده دین است و هر چیزی که نگهدارنده ندارد ضایع می‌گردد (شیخ مفید، ۱۳۹۵: ۱۱۴).

اطاعت ناپذیری از طاغوت

از بررسی و اندیشه در احکام عبادی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و وظایف فردی و احوال شخصی در دین اسلام، روشن می‌گردد که این احکام و قوانین طوری جعل شده است که بدون وجود حکومت تحقق آن‌ها غیر ممکن است و با اصل حکومت عجین گشته است و اجرای احکام آن بدون حکومت غیر ممکن است و لکن نه هر نوع حکومتی، بلکه اگر بخواهد قوانین اسلام حاکمیت پیدا بکند و حکومت ضامن حفظ احکام دین باشد، باید حکومتی بر اساس ولایت و حکومت الهی تشکیل شود و حاکم آن یا فردی معصوم و دارای علم الهی باشد، مانند حکومت شخصی پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم مانند امیر المؤمنین (ع) و حدود شش ماه حکومت امام حسن مجتبی (ع) در زمانی که بسط یدی برای آن بزرگواران بود. و یا باید حاکم اسلامی کسی باشد که اگر عالم به علم الهی نیست و دارای مقام رفیع عصمت نیست، آن اندازه پرهیزگاری و دوری از گناه داشته باشد که همان تقوای معروف است یعنی شباهتی هر چند کم به امام معصوم داشته باشد و از نظر علم و دانش هم به حدی باشد که برای همه عالمان و فقیهان زمان خودش قابل قبول باشد، مانند حکومت فقیه اعلم و جامع‌الشرایط و گرنه اگر چنین حاکمی عهده دار حکومت اسلامی نباشد، می‌شود حکومت طاغوت و دیگر حکومت اسلامی نخواهد بود، ولو این که بر حسب ظاهر به ظواهر اسلام هم عمل بکند، مانند حکومت بعضی از خلفا که ظواهر اسلام در زمان حکومت آنان عمل می‌شد، مانند حکومت ابوبکر و عمر و یا مانند عمر بن عبدالعزیز و یا پادشاهانی که بدون نظارت مجتهد جامع‌الشرایط، می‌خواستند احکام اسلام را عمل بکنند.

گواه بر این مطلب در روایات زیادی به چشم می خورد ، مانند : روایت مقبوله عمر بن حنظله که مورد قبول همه فقهای شیعه قرار گرفته است و به آن اعتماد کرده اند و طبق آن فتوا می دهند . امام صادق علیه السلام فرمود : هر کس به حاکمان جور رجوع کند ، در حقیقت رجوع به طاغوت کرده است و اگر به نفع او حکم بکند ، هر چه بگیرد حرام است ولو حق ثابتی برای خودش باشد ، زیرا به حکم طاغوت گرفته است و خدا اجازه نداده است که به طاغوت مراجعه کنند ، بلکه خداوند دستور داده است که از طاغوت سرپیچی کنند همان گونه که در آیه شریفه قرآن آمده است و عن ابی الصباح الکنتائی قال : قال ابو جعفر علیه السلام فرمود : ای ابوالصباح بپرهیزید از اطرافیان و کار گزاران حاکمان جور ، زیرا تمام اطرفیان غیر ما همه طاغوتند و یا ضد خانواده ما هستند (جرعاملی، ۱۳۶۷: ۲۵۵/۱۱). و اگر مختصر تفحصی در ابواب گوناگون حدیث ها شود ، ادله فراوانی به دست می آید که مدعای ما را تأیید می کند و مضمون همه این است که حکومت غیر پیامبر - صلی الله علیه و آله - و امام معصوم و هر کس که منصوب از طرف امام معصوم است حکومت طاغوت است و مراجعه به او جایز نیست ، چون این حکومت مستند به ولایت الهی نیست . حکومت دینی به معنای این که صرفاً احکام خدا در آن اجرا شود و یا به معنای حکومت دین داران نیست ، بلکه حقیقت و ماهیت حکومت دینی همان طوری که از کتاب و سنت استفاه می شود این است که حکومت بر محوریت حکم الهی تشکیل شود و علاوه بر این که احکام الهی در آن اجرا می گردد ، باید حاکمان و مجریان آن هم از طرف خدا منصوب شده باشند و در غیر این صورت حکومت دینی نخواهد بود . اگر چنانچه فقیه در کار نباشد ، ولایت فقیه در کار نباشد ، طاغوت است . یا خدا ، یا طاغوت ، یا خداست ، یا طاغوت (امام (ره)، ۱۳۸۵: ۱/۲۲۱).

حاکمیت قانون

تردیدی وجود ندارد که حکومت و ریاست بر مسلمانان به دست خود رسول اکرم (ص) است و خود آن حضرت هم اولین کسی است که در زمان خودش در شهر مدینه طیبه تشکیل حکومت داده است . بعد از پیامبر هم قطعاً حکومت به دست کسی است که رسول خدا او را به خلافت و جانشینی خود تعیین و منصوب می نماید و آن ، شخص علی بن ابی طالب علیه السلام است . و براساس معتقدات شیعه امامت و رهبری و ریاست بر مسلمانان بر عهده امامان معصوم علیهم السلام است و کسی حق منازعه با امام معصوم را ندارد ، و الا حکومتش غاصبانه است . این آن چیزی است که ما در زمان حضور امام و یا در زمان غیبت حضرتش تا روز ظهور حضرت حجّه بن الحسن امام زمان

علیه السلام بدان پای بند خواهیم بود .

اما زمان غیبت امام زمان (ارواح‌نفاذ) باز هم حکومت اسلامی ثابت و تشکیل آن واجب است و از آن جایی که حکومت منصبی است از جانب خدای تبارک و تعالی و به امام داده شده است ، کسی حق تصدی آن را ندارد، مگر آن که از طرف خود امام تعیین شود و در زمان غیبت نیابت خاصه امام علیه السلام به چهار نفر تفویض شده است و در زمان غیبت کبری که نیابت خاص به پایان رسید ، رهبری حکومت اسلامی به نمایان عام واگذار شده است و آنان فقهای عادل و با تقوا و جامع شرایط هستند. از دیدگاه بسیاری از فقهای ما و از دیدگاه امام خمینی (ره) تمام اموری که مربوط به پیامبر(ص) و امامان معصوم علیهم السلام است برای فقیه جامع شرایط ثابت است و همان طور که امام خمینی (ره) به آن تصریح کرده اند اگر کسی اطراف قضیه ولایت فقیه تصور صحیح داشته باشد ، برای او یک امر نظری نیست بلکه بدیهی است و نیازی به دلیل ندارد، اگر چه ادله زیادی، هم از عقل و هم از نقل بر آن دلالت می کند لذا هدف از حکومت اسلامی بسط و اجرای عدالت الهی در میان مردم است نه سلطه و حکومت ظالمانه بر مردم . در دوران استقرار نظام اسلامی نیز تأکیدهای فراوان ایشان بر رعایت قانون است. مردمی که به قانون اساسی رأی دادند منتظرند که قانون اساسی اجرا بشود(امام خمینی(ره) ، ۱۳۸۵: ۳۷۷/۱۴). وقتی جمعی از نمایندگان در خصوص کیفیت کار و محدوده اختیارات مجمع تشخیص مصلحت که در آن زمان هنوز در قانون اساسی نیامده بود پرسیده اند، چنین نگاشته اند: ان شاءالله تصمیم دارم در تمام زمینه ها وضع به صورتی درآید که همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم(امام خمینی(ره) ، ۱۳۸۵: ۲۰۳/۲۱).

اخلاق گرایی و عدالت جویی

سعادت از نظر امام، با تعدیل عقل نظری و عقل عملی حاصل می‌شود. این دو عقل در آخرین درجه کمال و مرتبه وجودی خود با یکدیگر متحد شده و فاصله میان آنها محو و نابود می گردد(ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۹: ۳۲۳). از این رو، اگر هر عقیده و عملی در هر حوزه‌ای که هست، دسترسی انسان را به سعادت نزدیک‌تر سازد، مطلوب شمرده می‌شود. امام خمینی(ره) عمده‌ترین هدف در برنامه‌های حکومتی را ایجاد محیط اخلاقی دانسته است در این محیط اخلاقی، زندگی اخلاقی هر انسان و جامعه ای لزوماً بر زندگی اخلاقی دیگران و اعتماد متقابل بر امانت و ترک خیانت استوار است. به طور کلی امام با توجه به تفسیری الهیاتی که از فطرت، اخلاق و حقوق انسانی دارد، جامعه اخلاقی و فاصله را جامعه‌ای فارغ از جنگ و تهاجم تلقی کرده و قوه غضبیه را صرفاً ابزار دفاع می‌بیند نه

هجوم به دیگران (فیرحی، ۱۳۸۹: ۳۵۳/۱).

از نظر امام خمینی (ره)، اسلام دین سیاست است و در احکام آن، بیش از امور عبادی به امور سیاسی و اجتماعی پرداخته شده است (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵: ۲۶۸/۵). احکام اخلاقی و سیاسی اسلام منفک از یکدیگر نیستند. هر چند از نظر دال رهایی از سیاست میسر نباشد بدون شک اجتناب از اثرات آن نیز ممکن نیست چرا که سیاست در همه جا و در همه وقت وجود دارد (دال، ۱۳۶۴: ۱۴۶). لذا ضرورت حکومت اسلامی، نیازمند وجود حاکمی است که با معیارهای این حکومت هم خوانی داشته باشد؛ یعنی با قوانین اسلام آشنا باشد تا به دلیل تقلید، قدرت حکومت شکسته نشود و به واسطه عدم آشنایی با این قوانین از اجرای احکام اسلام باز نماند. از سوی دیگر، باید عادل باشد، تا از کمال اعتقادی و اخلاقی برخوردار باشد. معیار حاکم اسلامی از نظر امام خمینی (ره) عبارتند از، علم به قانون و عدالت، و این دو شرط که در نامه علی به مالک اشتر نیز آمده است (حرعاملی، ۱۳۳۷: ۲۲۴/۱). در هم تنیدگی اخلاق و سیاست را بیش از پیش نشان می‌دهد، زیرا در نهایت، حاکم بایستی عادل، یعنی دارای تمامی فضایل باشد (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱: ۴۷).

مشارکت حداکثری مردم

برای هیچ کس جای شک و شبهه ای نیست که در تشکیل و حاکمیت اسلام، ملت و مردم نقش بنیادی دارند و اگر مردم برای تشکیل حکومت اسلامی اعلام آمادگی نکنند و در صحنه حضور فعال و مشارکت نداشته باشند، نه حکومت حق تشکیل می‌شود و نه احکام آن محقق می‌گردد و این مطلب مفاد همان عنوان جمهوریت است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است، زیرا استقرار نظام اسلامی به مقبولیت آن در نزد مردم بستگی دارد و حاکمان اسلام وقتی احساس وظیفه می‌کنند که مردم هم به آنان کمک بکنند. امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

هان ای مردم آگاه باشید! سوگند به خدایی که دانه را در شکم زمین شکافت و جان به جان داران بخشید، اگر حضور شما برای بیعت و قبول حکومت نبود و اگر نبود حجتی که بر من تمام شد و آن با اعلام آمادگی کسانی که برای یاری ام آمدند صورت پذیرفت، و نیز اگر نبود آن میثاقی که خداوند از عالمان گرفته که بر پرخوری ظالم و گرسنگی مظلوم صحنه نگذارند، البته زمامداری بر شما را رها می‌کردم آن چنان که مرکب را با همان افسارش که به دوشش می‌اندازند رها می‌سازند با بی‌اعتنایی پایان خلافت را با همان جام اولش سیراب می‌کردم. در همان هنگام می‌دیدم دنیای شما پیش من از آب دماغ یک بز هم کم ارزش تر است (نهج البلاغه، خطبه ۳). همان طوری که فقهای

بزرگ و جامع شرایط صدها سال از اعمال ولایت شرعی خود برای تشکیل حکومت اسلامی محروم بودند، چون مردم اطلاع نداشته و اعلام آمادگی هم نمی‌کردند و مسئولیتی هم متوجه شان نبود تا زمان حضرت امام خمینی (ره) و حضور گسترده مردم در صحنه و حمایت و پشتیبانی وسیع آن‌ها که موجب شد به دست توانای فقیه بزرگ قرن و مجاهدی بی‌نظیر، آرزوهای دیرینه صدها فیلسوف، فقیه و مجتهد برآورده شود و حکومت اسلامی بر اساس خواست مردم تشکیل گردد، و این خواست مردم در شکل حکومتی به نام جمهوری اسلامی ایران تبلور پیدا کرد.

امام (ره) عالمی اخلاقی و در عین حال فیلسوف و اندیشمند سیاسی است. توجه به ابعاد اخلاقی، اجتماعی و سیاسی زندگی انسان در اندیشه امام گسیخته و جدا نیست. به این معنا که امام در آرای سیاسی خویش به مبانی اخلاقی خویش پای بند بوده است. در اندیشه امام خمینی (ره)، بر خلاف سنت سیاسی و تاریخ اسلام، ما شاهد تقدم مردم و جامعه بر دولت اسلامی هستیم. به نظر او مردم دارای چنان رشد سیاسی و دینی هستند که قدرت تشخیص، انتخاب و اصلاح را دارند (فیرحی، ۱۳۸۹: ۳۱۴/۱). ایجاد حکومتی که در کنار اسلامی بودن، جمهوریت و مشارکت مردم در جامعه را پذیرا باشد و مجال دادن به شهروندان برای بهره‌مندی از آزادی‌های مشروع و قانونی از روشن‌ترین نمونه‌های قابل ذکر به شمار می‌رود (کیخا، ۱۳۸۶: ۱۸۰). برآمد چنین رویکردی، این ایده امام است که حکومت فی‌نفسه ارزش ندارد بلکه درواقع وسیله‌ای است برای اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اسلام و خدمت به مردم (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱: ۵۵).

نتیجه‌گیری

در اندیشه فلسفی و سیاسی حضرت امام خمینی (ره) هیچ‌گونه تفکیکی بین سیاست و دین و لذا بین سیاست و اسلام وجود ندارد و بر همین اساس دین اسلام دارای نظام حکومتی است نظام حکومتی که امام از آن تحت عنوان حکومت اسلامی یاد می‌کند. عنوان کلی و اولیه‌ای که حضرت امام در مورد حکومت مطلوب مورد نظر به کار می‌برد حکومت اسلامی است و منظورشان از اسلامی بودن حکومت نیز این است که بر موازین و قوانین الهی و دینی اسلام بنا شده باشد. قوانین و ضوابط آن از شرع مقدس اخذ گردد و بر جهان‌نگری و ایدئولوژی اسلامی بنا شده باشد. حکومت اسلامی در منظر امام خمینی (ره) حکومتی است که هدف آن تحقق اسلام است، قوانین آن قوانین اسلام است و بنیاد و اساس آن را نیز جهان‌بینی اسلامی تشکیل می‌دهد. همچنین از دیدگاه ایشان، حکومت اسلامی به معنای این است که حکومت از درون اسلام به

وجود می آید زیرا اسلام دارای سیستم و نظام خاص اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است؛ لذا اسلام بدون حکومت معنا ندارد.

حکومت مطلوب در اندیشه امام خمینی (ره) به معنای اداره و رهبری سالم و درست جامعه در مسیر تکامل، ترقی و رشد انسان است. حکومت مطلوب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) متفاوت با دیگر حکومت های موجود است. از دیدگاه امام (ره) حکومت باید بر محوریت حکم الهی تشکیل شود و علاوه بر این که احکام الهی در آن اجرا می گردد، باید حاکمان و مجریان آن هم از طرف خدا منصوب شده باشند و در غیر این صورت حکومت طاغوتی است. در این نوع حکومت، حاکمیت منحصر به خداست و قانون فرمان و حکم خداست. ایشان اعتقاد دارند حکومت اسلام است که می تواند انسان را به سعادت دنیا و آخرت برساند. حکومت اسلام است که می تواند روح انسان را قوی کند و به تبع آن جسم او هم قوی شود. امام خمینی (ره)، معنای واقعی جمهوری اسلامی را عدالت معرفی می کند و تأکید دارند که اخلاق و عدالت واقعی این است که احتیاجات مردم در هر شرایطی زود رسیدگی شود، و هیچ فرقی افراد با یکدیگر نداشته باشند. از دیدگاه اسلام، هر چند که ملاک مشروعیت الهی است؛ اما معیار و میزان آن مردم هستند و بر این اساس، حکومت علاوه بر رعایت حقوق الهی یا حق الله در مقابل مردم (حق الناس) نیز پاسخگو می باشد. همان گونه که خداوند هدف حکومت مطلوب را مشخص نموده و آن تربیت انسان و هدایت او در سیر از عالم ملک تا ملکوت اعلی است، در پرتو چنین بینش سیاسی است که تشنگی های معنوی و مادی بشر فرو می نشیند و انسانها بر اساس مراتبی که دارند به قرب الهی نزدیک خواهند شد.

پژوهشگر با استفاده از روش تحلیل مضمون، داده های حاصل از بیانات امام خمینی (ره) را مفهوم سازی کرده اند. بر اساس این مفاهیم، مضامین اولیه (حکومت اسلامی، جایز بودن، قدرت و اراده الهی، متعدی بودن، نصب غیر الهی، اعتقاد به قانون، رای مردم، تربیت الهی، ایمان، خدمت به مردم، نظام عادلانه) و مضامین سازمان دهنده (مشروعیت الهی، موجه بودن، حکومت دینی، طغیانگر، متجاوز، قانون اساسی، حکمرانی، اخلاق، عدالت، مردم سالاری، همکاری) و مضامین فراگیر به دست آمد. با ترکیب و ادغام مضامین فراگیر نزدیک به هم پنج مولفه مشروعیت و الهی بودن حکومت، اطاعت ناپذیری از طاغوت، حاکمیت قانون، اخلاق گرایی و عدالت جویی و مشارکت حداکثری مردم با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره) استخراج گردید.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
 نهج البلاغه
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین، ۱۳۷۹، *ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام*، تهران، نشر نو.
- ارسطو، ۱۳۶۴، *سیاست*، ترجمه حمید عنایت، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- افلاطون، ۱۳۳۸، *جمهور*، ترجمه فواد روحانی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- امام خمینی (ره)، *سید روح الله*، ۱۳۷۸، *کتاب البیع*، قم، انتشارات اسماعیلیان.
- امام خمینی (ره)، *سید روح الله*، ۱۳۸۵، *صحیفه امام (دوره ۲۲ جلدی)*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ و نشر عروج.
- امام خمینی (ره)، *سید روح الله*، ۱۳۸۱، *ولایت فقیه (حکومت اسلامی)*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ و نشر عروج.
- حر عاملی، شیخ محمد بن الحسن، ۱۳۳۷، *وسایل الشیعه الی تحصیل المسائل الشرعیه*، قم، تحقیق و نشر مؤسسه آل‌البتیت (ع).
- حکاک، محمد، میثم جعفری و مهدیه ویشلیقی، ۱۳۹۹، «واکاوی استراتژی سکوت بر اساس آموزه‌های نهج البلاغه»، *فصلنامه علمی پژوهشی علوی*، سال یازدهم، شماره ۲، ص ۲۴-۳.
- داوری اردکانی، رضا، ۱۳۷۸، *رئیس اول مدینه در نظر ملاصدرا، مجله نامه فرهنگ*، شماره ۳۱، ص ۷۱-۶۶.
- سلطانی، محمدرضا و خانی، علی، ۱۳۹۵، «استخراج معیارهای ارزیابی عملکرد دستگاه‌های فرهنگی مبتنی بر انتظارات و مطالبات مقام معظم رهبری»، *فصلنامه مدیریت اسلامی*، سال ۲۴، شماره ۲۰، ص ۱۳۳-۱۰۵.
- شیخ مفید، ۱۳۹۵، *اختصاص*، ترجمه حسین صابری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۶۲، *المبدا والمعاد*، ترجمه احمد بن محمد الحسینی اردکانی، به کوشش عبدالله نورانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- طباطبایی، جواد، ۱۳۸۶، *زوال اندیشه سیاسی در ایران*، تهران، نشر کویر.
- عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمدسعید، فقیهی ابوالحسن و شیخ زاده محمد، ۱۳۹۰، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های

- کیفی» دو فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، سال ۵، شماره ۲، ص ۱۹۸-۱۵۱.
- عالم، عبد الرحمان، ۱۳۷۲، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
- فیرحی، داود، ۱۳۸۹، دین و دولت در عصر مدرن، تهران، رخداد نو.
- کیخا، نجمه، ۱۳۸۶، مناسبات اخلاق و سیاست در اندیشه اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- لک زایی، نجف، ۱۳۸۱، اندیشه سیاسی صدرالمتألهین، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۸۶، بحار الانوار، تهران، انتشارات اسلامی.
- مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۷۷، حکومت و مشروعیت، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۷، ص ۷۷-۴۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی